

۱- عین الخطأ في التشكيل.

«الذین یتسبّدون برأیهم یهلکون، و من یشاور غیره من الناس یشارکهم فی عقولهم!»:

- (۱) یَسْبِدُونَ - زَائٍ - یُهَلِكُونَ  
(۲) زَائِبِهِمْ - یُشَاوِرُ - یُشَارِكُ  
(۳) یُهَلِكُونَ - غَیْرِهِ - النَّاسُ  
(۴) غَیْرُهُ - یُشَارِكُ - عُقُولِ

۲- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة:

«لم یکن له بدیل فی العلم، فتعلّمت منه أن أخذ من کلّ علم أحسنه!»:

- (۱) شبیه او در علم کسی نیست، به من آموخته است که از علم بهترین هر چیز را انتخاب کنم!  
(۲) مثل او در علم نبوده است، از او می‌آموزم که در علم هر آنچه را که نیکوتر است، اخذ کنم!  
(۳) ماندنی در علم ندارد، او به من یاد داد که از علم نیکوترین آن‌را انتخاب کنم!  
(۴) همتایی در علم نداشت، پس از او آموختم که از هر علم نیکوترین آن‌را بگیرم!

۳- عین الخطأ:

- (۱) سنبقی عشرة آیام فی مدینتکم!  
(۲) سیشارک أحد عشرة طالباً فی هذا السباق!  
(۳) طالعت خمسة كتب قيمة لكتابة هذه المقالة!  
(۴) هیأت ثلاث جوائز لأصدقائي الفائزين!

۴- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«خدایا، چگونه قصورم را در برابرت در به‌جا آوردن یک عبودیت با اخلاص بیان کنم!» عین الصّحیح:

- (۱) ربّی، کیف كنت بینت تقصیری أمامک فی أداء العبودیة المخلصة!  
(۲) اللّهُمّ، کیف كنت أبین التقصیر أمامک فی أداء عبودیة بإخلاص!  
(۳) إلهی، کیف أبین قصوری أمامک فی أداء عبودیة بإخلاص!  
(۴) إلهی، کیف بینت القصور أمامک فی أداء العبودیة المخلصة!

۵- عین الأصحّ و الأدقّ للجواب عن الترجمة:

«و الله یتعدکم مغفرةً منه و فضلاً و الله واسع علم!»:

- (۱) خداوند شما را به آمرزش از خود و احسان وعده می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست!  
(۲) پروردگار، به شما بخشایش و بخشش خویش را به ودیعه گذاشت، و خدا فراخ رحمت و داناست!  
(۳) پروردگاری که شما را به آمرزشی از سوی خود و فزودن نعمت وعده می‌کند، همان خدای گشایشگر داناست!  
(۴) خداوند، به شما بخشیده شدن از سوی خود و برتری یافتن را امانت گذاشت، و خداوند فراخ رحمت بسیار داناست!

۶- عین الأصحّ و الأدقّ للجواب عن الترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«سأشارک فی ندوة تُقام للبحث حول موضوع أساليب الترجمة فی الأسبوع الآتی!»:

- (۱) به همین زودی می‌خواهم در یک همایش شرکت کنم که هفته آینده در مورد تحقیق دربارهٔ موضوع اسلوب‌های ترجمه برپا می‌شود!  
(۲) می‌خواهم در آن همایش که برپا شده است تا پیرامون اسالیب ترجمه تحقیقی داشته باشد، در هفته دیگر شرکت کنم!  
(۳) به زودی در هفته دیگر در آن همایشی شرکت می‌کنم که برای بررسی روش‌های ترجمه برپا خواهد شد!  
(۴) در همایشی که برای تحقیق پیرامون موضوع روش‌های ترجمه هفته آینده برپا می‌شود، شرکت خواهم کرد!

۷- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«لاكثر من الكلام الذي لاينفع، بل عليك أن تحفظ لسانك من قول السوء!»:

- (۱) زیاده مگو از سخنی که سود نمی‌رساند، بلکه باید زبانت را از سخن بد حفظ کنی!  
(۲) سخنی را که سودمند نیست مگو، چه وظیفه تو محافظت زبانت از بدقولی است!  
(۳) زیاده‌روی در سخنی که سود ندارد نکن، زیرا نگهداری زبانت از سخن بد بر عهده توست!  
(۴) سخنی را که سود ندارد بر زبان مران، بلکه بر توست که زبان خود از سخن ناپسند حفظ کنی!

۸- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب:

«أعلن أحد المعلمين أنّ موعد الامتحانات يحین عن قریب، فاستعدّوا لها!»:

- (۱) یکی از معلم‌ها آیام امتحانات را اعلام می‌کرد که بزودی فرا خواهد رسید، پس خود را آماده آن کنید!  
(۲) معلمین روزهای امتحان را به خاطر نزدیکی آن‌ها اعلام کردند تا برای آن خود را آماده کنید!  
(۳) یکی از معلمان اعلام کرد که موعد امتحانات بزودی فرا می‌رسد، پس برای آن آماده شوید!  
(۴) معلمین وقت امتحان را اطلاع‌رسانی کردند که بزودی فرا می‌رسد، لذا برای آن مهیا شوید!

۹- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة:

«كان صدیقی المقروض يعمل كثيراً من الصباح حتى آخر الليل فی حانوته لیدفع قروضه!»:

- (۱) دوست مقروضم از صبح تا آخر شب در مغازه‌اش بسیار کار می‌کرد تا قرض‌هایش را بپردازد!  
(۲) دوست مقروض بود لذا از صبح تا پایان شب در مغازه کار کرد تا قرض‌های خود را ادا کند!  
(۳) دوست مقروضم از صبح تا پایان شب در مغازه به سختی کار می‌کرد تا بتواند قروض خود را بپردازد!  
(۴) دوستم که قرض زیادی داشت از صبح تا آخر شب در مغازه‌اش بسیار کار می‌کرد تا قرض‌هایش را ادا کند!

۱۰- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«تبیّن الأمثال المواضع علی سبیل التعریض و الكناية حتّى یتدبّر الإنسان فیها بدقّة!»:

- (۱) امثال به بیان موضوع‌هایی می‌پردازد که انسان به‌طور کنایه و گذرا به آن‌ها فکر کند!  
(۲) امثال جایگاه‌ها را به‌طور اشاره تبیین می‌نماید تا فکر کردن انسان به آن‌ها دقیق گردد!  
(۳) ضرب‌المثل موضوع‌ها را به‌صورت کنایه متعرض می‌شوند تا انسان در آن به دقت بیندیشد!  
(۴) ضرب‌المثل‌ها موضوع‌ها را به‌صورت اشاره و کنایه بیان می‌کند تا انسان به دقت در آن‌ها تدبّر کند!

۱۱- عین الأصحّ و الأدقّ للجواب عن الترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«هؤلاء العمال الحاذقون إن لا یضیعوا الوقت فسوف یصلوننا إلى الاکتفاء الذّاتی!»:

- (۱) این کارگران حاذق اگر وقت را هدر ندهند ما به خودکفایی خواهیم رسید!  
(۲) این کارگران ماهر اگر وقت را ضایع نکنند ما را به خودکفایی خواهند رسانید!  
(۳) این‌ها کارگران ماهری هستند که اگر وقت را ضایع نکنند ما به خودکفایی خواهیم رسید!  
(۴) این‌ها کارگران حاذقی هستند که اگر وقت را هدر ندهند ما را به خودکفایی خواهد رساند!

۱۲- عین الخطأ (فی المنسوب):

- (۱) لی کتاب متونه تاریخی!  
(۲) عزمت أن احفظ عشرة أحادیث نبویة!  
(۳) هذا الشاعر من أصل لبنانی!  
(۴) ألیس عادة لی الصیف قمیصاً قطنياً!

۱۳- عین الأصَحّ والأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب:

«هنگام حدوث مشکلات، دوستم به من توجّه می کند و من آنرا به خوبی درک می کنم!»:

(۱) أفهم أنا اهتمام صديقي بي عند بروز مشاكلي حسناً!

(۲) اهتمّ بي صديقي عند بروز مشاكلي و أنا فهمته حسناً!

(۳) كان صديقي يهتمّ بي عند حدوث المشاكل و أدركه أنا جيّداً!

(۴) يهتمّ بي صديقي عند حدوث المشاكل و أنا أدرك ذلك جيّداً!

۱۴- عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي .

«طالعت طول هذه السنة اثنتي عشرة مقالة!»:

(۱) اثنتي عشرة: اسم من الأعداد المركبة - للمؤنث - مبنی في الجزأین / مفعول به و منصوب محلاً

(۲) مقالة: اسم - مفرد مؤنث - نكرة - معرب - منصرف / تمييز مفرد لعدد «اثنتي عشرة» و منصوب

(۳) طول: مفرد مذكر - جامد - معرّف بالإضافة - معرب - منصرف / ظرف أو مفعول فيه للمكان و منصوب

(۴) السنة: مفرد مؤنث - جامد - معرّف بال - معرب - منصرف / نعت و مجرور بالتبعية للمنعوت «هذه»

۱۵- عین الأصَحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة:

«إذا كانت الشمس على وشك الغروب، لا تُجفّف أشعتها الألبسة!»:

(۱) هر گاه خورشید در شرف غروب کردن باشد، اشعه‌ی آن لباس‌ها را خشک نمی کند!

(۲) آفتاب اگر بزودی غروب کند، تابش آن قادر به خشک کردن لباس‌ها نیست!

(۳) اشعه‌ی خورشید که در حال غروب کردن است، قادر به خشک نمودن البسه نیست!

(۴) چنانچه خورشید سریعاً در حال غروب کردن باشد، آفتاب نمی تواند البسه را خشک کند!

۱۶- كم نوعاً من المشتق في العبارة التالية؟ «الذنب سمّ قتال و القليل منه مهلك فاجتنب حتّى القليل منه!»

(۱) واحد (۲) أربعة (۳) إثنان (۴) ثلاثة

۱۷- عین الخطأ (في أحكام الأفعال الناقصة):

(۱) أصبح التلميذان ناجحان في المسابقات المدرسية العلمية!

(۲) كان العمال عند الخروج من المعمل نشيطين و فرحين!

(۳) ليس أحد بيننا أرحم من الأم و ما رأينا مثلها حتّى الان!

(۴) التلاميذ ماداموا متكاسلين لن يصلوا إلى أهدافهم العالية!

۱۸- عین الخبر يختلف نوعه عن الباقي:

(۱) من هذا العمود إلى ذلك العمود فرج!

(۲) استخدام المثل صحيحاً فنّ من الفنون!

(۳) أسلوب التشبيه من موضوعات علم البيان!

(۴) حاجة الناس إليكم من نعم الله، فلا ترفضوها!

۱۹- عین الأصَحّ و الأدقّ للجواب عن الترجمة

«ستفضي أياماً حارة و الشمس في وسط السماء و نحن في شهر رمضان و يساعدنا ربنا للصوم فيه!»:

(۱) روزهای گرمی را خواهیم گذراند که خورشید در وسط آسمان است و ما در ماه رمضان هستیم و پروردگاران ما را برای روزه در این ماه یاری می کند!

(۲) این روزهای سخت گرم را با خورشیدی در وسط آسمان خواهیم گذراند در حالی که ماه رمضان است و پروردگاران ما را برای روزه یاری می کند!

(۳) روزهای گرمی با خورشید که در وسط آسمان است آغاز خواهد شد و ما در ماه رمضان هستیم ولی پروردگاران ما را برای روزه یاریمان می کند!

(۴) این روزهای گرم با خورشیدی در وسط آسمان شروع می شود و ما در ماه رمضان بوده پروردگاران برای روزه یاریمان می کند!

۲۰- عين الخبر و نوعه: «الامطار الكثيرة التي نزلت اليوم، هدّمت بعض الابنية التاريخية!»:

(۱) نزلت: جملة (۲) هدّمت: جملة (۳) التي: مفرد (۴) اليوم: شبه جملة

۲۱- عین الفعل المجزوم:

(۱) أَعَفَّ المذنب في حَفْكَ، يصفح الله عنك!

(۲) دعا المدير التلميذ المثاليّ ليمنحه جائزة ثمينة!

(۳) بتى العزيرة، لماذا لا تتعيين نفسك في العمل!

(۴) عند المغرب يذهب المسلمون إلى المسجد ليصلوا!

اقرأ النصّ التالي بدقة ثمّ أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

في يوم من الأيام خرج رجل مع ابنه و معهما حمار ليجمعا الحطب. في الطريق ركب الوالد و ابنه معاً على الحمار. فرأهما بعض الناس و قالوا: اثنان يركبان الحمار معاً و لا يرحمان الحيوان المسكين! فسمعهم الرجل و طلب من ابنه أن ينزل عن الحمار و يسوقه.

فقال آخرون: أنظروا قساوة قلب هذا الوالد، هو راكب و ابنه يمشى! فنزل الرجل و ركب ابنه. فشاهد هما أفراد آخرون و قالوا: أنظروا قلّة أدب هذا الولد، هو راكب و أبوه يمشى! فأنزل الوالد ولده عن الحمار و شرعا يمشيان خلف الحمار!

فرأهما ناس آخرون فقالوا: أنظروا قلّة فهم هذا الأب و الابن، يمشيان و لا يركبان الحمار! انزعج الرجل و قال لابنه: إنّ رِضا الناس غاية لا تدرك! فحملا الحمار على كتفيهما و ذهبا و لم يهتمّا بكلام الناس!

۲۲- عین الخطأ للفرغ: وقعت هذه الحادثة .....

(۱) في يوم من أيام الشّهر الآتي!

(۳) في يوم من أيام الشّهر الماضي!

۲۳- كيف كان الحمار في آخر مرحلة ؟

(۱) كان يمشي و الرّجل أيضاً يمشي خلفه!

(۳) كان يحمل الرّجل و ابنه على ظهره!

۲۴- كيف تخلّص الرجل و ابنه من كلام الناس؟

(۱) تخلّصا بعد أن مشيا خلف الحمار!

(۳) تخلّصا بحمل الحمار على كتفيهما!

(۲) في أحد أيام السّنة!

(۴) في أحد أيام الأسبوع!

(۲) كان على كَتْفَي الوالد و ابنه!

(۴) كان على كَتْفَي الرّجل!

(۲) تخلّص الولد عندما ركب أبوه الحمار!

(۴) تخلّص الوالد بحمل الحمار على كتفه!

۲۵- عین الصحیح:

(۱) أول من ركب الحمار كان الوالد و هو وحده!

(۲) لا يستطيع أحد أن يكسب رضا الناس عن نفسه!

(۳) لما كان الرجل راكباً قال الناس أنظروا قلّة أدب هذا الولد!

(۴) جميع الناس يستطيعون أن يكسبوا رضا الآخرين عن أنفسهم!

۲۶- عین الخطأ فی التشکیل:

«ليجمعنا الخطب. في الطريق رأهما بعض الناس و قالوا: اثنان يركبان الحمار معاً!»:

(۱) زَاهِمَا - يَرْكَبَانِ - الْجِمَارَ (۲) الطَّرِيقِ - النَّاسِ - اِثْنَانِ

(۳) الحَطَبِ - بَعْضُ النَّاسِ (۴) يَجْمَعَا - الحَطَبِ - بَعْضُ

۲۷- عین الخطأ فی التشکیل:

«الزعرج الرجل و قال لابنه: إن إرضاء الناس غاية لاتدرک، فحملنا الحمار علی كتفیهما!»:

(۱) غَايَةً - تُدْرِكُ - الْجِمَارَ (۲) اِزْرَعَجَ - الرَّجُلُ - اِبْنِ (۳) الرَّجُلِ - النَّاسِ - غَايَةً (۴) النَّاسِ - غَايَةً - كَتَفَي

۲۸- عین الصحیح في الاعراب و التحليل الصّرفي:

«يجمعاً»:

(۱) فعل مضارع - مزيد ثلاثي - صحيح - معرب / فاعله ضمير الالف البارز، و الجملة فعلية

(۲) مضارع - مجرد ثلاثي - مبني للمعلوم / فعل مجزوم بحرف اللام، و فاعله ضمير الالف البارز

(۳) صحيح - لازم - مبني للمعلوم / فاعله ضمير الالف البارز، و الجملة فعلية و خبر و مرفوع محلاً

(۴) للغائبين - مجرد ثلاثي - متعد / فعل منصوب بحرف اللام و علامة نصبه حذف نون الاعراب

۲۹- عین الصحیح في الاعراب و التحليل الصّرفي:

«شاهد»:

(۱) للغائب - معتل و أجوف - متعد - مبني للمعلوم / فاعله «أفراد» و الجملة فعلية

(۲) فعل ماضٍ - للغائب - مزيد ثلاثي (من باب مفاعلة) / فعل و فاعله «أفراد» و الجملة فعلية

(۳) فعل ماضٍ - مزيد ثلاثي - صحيح - متعد - مبني على الفتح / فعل و فاعله ضمير «هم» البارز

(۴) مزيد ثلاثي (من باب مفاعلة) - لازم - مبني / فاعله «أفراد»، و ضمير «هما» مفعول به و منصوب محلاً

۳۰- عین الصحیح في الاعراب و التحليل الصّرفي:

«رضاً»:

(۱) اسم - مفرد مذكر - جامد - معرب - مقصور / اسم «إنّ» و منصوب تقديراً

(۲) مفرد مذكر - مشتق (صفة مشبهة) - معرب - منصرف / اسم «إنّ» المشبهة بالفعل

(۳) نكرة - معرب - مقصور / «إنّ» من الحروف المشبهة بالفعل، «رضاً» اسمها و «غاية» خبرها

(۴) جامد - معرف بالاضافة - معرب - منصرف / «إنّ» من التّوابع، «رضاً» اسمها و «الناس» خبرها

۳۱- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة:

«تُنشر في بلدنا أكثر من عشر مجلات علميّة و اجتماعيّة و كلّ منها تنفعنا في مجال موضوعاتها!»:

(۱) بیش از ده مجله‌ی علمی و اجتماعی که در شهر ما منتشر می‌شود هر یک در رابطه با موضوع خود برای ما مفید است!

(۲) در شهر ما بیش از ده مجله‌ی علمی و اجتماعی منتشر می‌شود که هر یک از آن‌ها در زمینه‌ی موضوعات خود به ما فایده می‌رساند!

(۳) هر یک از ده مجله‌ی علمی و اجتماعی که در شهر ما منتشر شده است در عرصه‌ی موضوعی که دارد برای ما مفید است!

(۴) هر کدام از ده مجله‌ای که در شهر ما منتشر می‌شود در زمینه‌ی موضوع علمی و اجتماعی خود به ما فایده می‌رساند!

۳۲- عین الأصحّ و الأدقّ للجواب عن الترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«قد علم القائد جنوده الطاعة والسّجاعة و هما أهمّ من العدة و العدد!»:

(۱) فرمانده به سربازانش اطاعت و شجاعت را آموخته است و این دو از توشه و تعداد مهم‌تر است!

(۲) رهبر لشکریانش را یاد داد اطاعت کنند و شجاع باشند زیرا این‌ها از توشه و نفرت مهم‌تر است!

(۳) فرمانده فقط اطاعت و شجاعت سربازانش را آموزش داد زیرا مهم‌تر از نفرت و سلاحشان است!

(۴) رهبر به سربازان خود آموخت که مطیع بون و شجاعت داشتن از تجهیزات و تعداد مهم‌تر است!

۳۳- عین الصحیح في الإعراب و التحليل الصّرفي.

«من يستمسک بجبل اللّهُ فهو مستمسک بجبل غیر منقسم!»

(۱) من: اسم - من أدوات الشّروط الجازمة - نكرة - مبني على السكون / مبتدأ و مرفوع محلاً و الجملة اسمية

(۲) منقسم: اسم - مشتق و اسم فاعل (مصدره: انقسام) - نكرة - معرب - منصرف / نعت و مجرور بالتبعية

(۳) مستمسک: مفرد مذكر - مشتق و اسم فاعل (مصدره: استمساک) - معرفّ بالإضافة / خبر مفرد و مرفوع

(۴) يستمسک: مزيد ثلاثي (من باب افعال) - صحيح - مبني للمعلوم / فعل شرط و مجزوم و فاعله ضمير «هو» المستتر

۳۴- عين الفراغ الذي لا تُناسبه كلمة «أبو»:

(۱) لا تترك ..... ک في جميع الاحوال!

(۲) .... صدیقی عزم الصعود علی الجبال المرتفعة!

(۳) راح ..... مریم یفتش عن کتابها المفقود!

(۴) لماذا ما ذهب ..... هذا التلميذ إلى مدرسته!

۳۵- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب:

«مردم هرگاه ظلمی به آنان برسد، از مؤمنان یاری می‌طلبند!»:

(۱) الناس إذا أصابهم ظلم يستعينون بالمؤمنين!

(۲) كلما أصب الناس ظلم يريدون من المؤمنين معونتهم!

(۳) إنّ الناس عندما يصيبهم الظلم يستعين بالمؤمنين عوناً!

(۴) كلّ الناس إذا يصيبهم الظلم يطلبون من المؤمنين معونة!

۳۶- عین الخطأ عن العدد و المعدود:

(۱) قال المعلم لي عيني في هذا النص عشرة أفعال مضارعة!

(۲) عدد أولاد أختي ابن واحد و بتان اثنتان!

(۳) إنتخبت المديرة ثمانی تلميذات لإجراء المسرحيّة!

(۴) ستبدأ بعد اثنا عشر أيام إمتحانات كلّ الدروس!

۳۷- عين الصحیح للفراغ ما يجعل الخبر جملة فعلية: «هؤلاء ..... يشكرون كل شخص يعلمهم كلمة!»

(۱) من (۲) طلبة (۳) هم الذين (۴) الطلبة

۳۸- عین المنسوب:

(۱) وقرت أمتي الحنون لنا طعاماً كأنَّ غيتياً بالبروتينات!

(۲) أعرف رجلاً غيتياً يساعد عائلة فقيرة ابتغاء مرضاة الله!

(۳) قرأتُ خبر فوز فريق كرة السلة لبلادنا في الصحيفة المسائتية!

(۴) بدأ الثلج يتساقط بهدوء و أنا كنت جلست بجانب مدفأة صغيرة!

۳۹- عین الصحيح في التشكيل:

عین الصحيح:

(۱) أعلم أنَّ المفعولَ فيه و يُسمَّى الظرفُ،

(۲) هُوَ اسمٌ يَذكرُ لبيانِ زمانِ الفعلِ أو مكانِهِ،

(۳) ويُصنَّبُ على تقديرِ «في» في المعنى و لا في اللَّفظِ (۴) و هُوَ قِسمان: ظَرَفٌ زَمَانٌ و ظَرَفٌ مَكَانٌ!

۴۰- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب:

«عندما يريد الخريف أن ينتهي، يهَيئُ الفلاحون الطعام المناسب للثراب حتى تُصح الثمار في الربيع و الصيف جيدة!»:

(۱) دقيقاً و قتي پاییز رو به پایان است، کشاورزان خاک با غذای مناسب آماده می کنند تا نتیجه خوبی در بهار و تابستان داشته باشد!

(۲) هرگاه پاییز تمام شد، کشاورزان غذای مناسب را برای خاک آماده می کنند تا ثمره آن در بهار و تابستان خوب شود!  
(۳) پاییز که می خواهد تمام شود، کشاورزان غذای مناسب برای خاک آماده می کنند تا میوه ها در بهار و تابستان خوب شود!

(۴) هنگام تمام شدن پاییز، کشاورزان خاک مناسب را با غذای کافی آماده می کنند تا در بهار و تابستان میوه خوب دهد!

۴۱- عین الخطأ (في البناء للمجهول):

(۱) قضينا ليلة صبعة مع أيبك هنا ← نحن قضيت ليلة ...

(۲) ما أكملت الدروس للطلاب حتى الآن ← ما أكملت الدروس ...

(۳) إنه هو نذكر نعمه الصغيرة و الكبيرة ← إنه هو نذكر نعمه ...

(۴) يزرع الفلاحون أرضهم بالوسائل الجديدة ← تُزرع أرضهم ...

۴۲- (و لئله غيب السماوات و الأرض و إليه يرجع الأمر كله):

(۱) از خداوند است عالم غیب در آسمانها و زمینها و همهی امور قطعاً به او باز می گردد!

(۲) عالم غیب در آسمانها و زمینها از آن الله است و بازگشت همهی امور قطعاً به اوست!

(۳) غیب آسمانها و زمین متعلق به الله است و بازگشت همهی کارها به سمت اوست!

(۴) از آن خداوند است غیب آسمانها و زمین و همهی امر قطعاً به او باز می گردد!

۴۳- عین الضمير البارز لیس نائب الفاعل:

(۱) الصالحون يعرفون بأعمالهم!

(۲) هؤلاء المظلومون أخرجوا من ديارهم!

(۴) أولئك التلاميذ أدخلوا في الصف إجباراً!

(۳) أنتم تُرشدوننا إلى سبيل الخير!

۴۴- عین النعت جملة:

(۱) أعرفُ تلميذاً مهذباً يحاسب نفسه كل يوم!

(۲) نريد أن نبقي ثلثه أيام في المنطقة الاستوائية!

(۳) عندما ننظر إلى الجبال الرفيعة نحسب أنها ثابتة!

(۴) إعتد على النفس المهذبة لأنها تتجنب السيئات!

۴۵- عین الخطأ في التشكيل:

«كانت المؤمنات لا يرفعن أصواتهنّ فوق صوت النبيّ المكرّم!»:

(۱) يفوق - صوت - المكرّم

(۲) يرفعن - أصواتهنّ - النبيّ

(۳) المؤمنات - يرفعن - أصوات

(۴) أصواتهنّ - فوق - صوت

۴۶- عین نائب الفاعل:

(۱) المسلمون يكرّمون الأعياد المذهبية!

(۲) الذين يعلمون الخير محترمون!

(۳) على الأولاد أن يحترموا آباءهم!

(۴) الذين يتكلمون يعرفون بكلامهم!

۴۷- عین الاصح و الأدقّ في الجواب للترجمة:

«عندما يتكلم أستاذي أسمع إليه بدقة لأفهم أقواله الثمينه بروحي و نفسي!»:

(۱) هنگامی که استادم سخن می گوید با دقت به او گوش می دهم تا سخنان ارزشمندش را با روح و جانم درک کنم!

(۲) هنگام گفتگو با استادم، با دقت شنوندهی کلامش می شوم تا با روح و جان خود سخن گرانبهای او را بفهمم!

(۳) زمانی که استادم صحبت کرد با دقت به او گوش دادم تا با روح و جسم خود کلام با ارزشش را درک کنم!

(۴) وقت سخن گفتن استادم، با دقت به او گوش دادم و سخنان با ارزشش را با روح و جانم درک کردم!

۴۸- «حينما نشاهد كتب المسلمين تاخذنا الذهشة بسبب وجود آراء و نظريات علمية قد طرحت لأول مرة»:

(۱) زمانی که کتب مسلمانان را مشاهده می کنیم، بدلیل وجود آراء و نظرات علمی که برای اولین بار در آنها مطرح شده، شگفتی ما را فرا می گیرد!

(۲) در حالی ما کتابهای اسلامی را نظاره می کنیم که بعلت وجود نظرات و آرای علمی که برای اولین بار طرح گردیده، ما را به تعجب و می دارد!

(۳) وقتی کتابهای مسلمانان را می بینیم، تعجب ما را در بر می گیرد و آن بخاطر وجود نظرات علمی است که برای اولین بار طرح می گردد!

(۴) هنگامی که کتب اسلامی را می نگریم، آراء نظرات علمی مطرح شده برای بار اول در آنها ما را به شگفتی می اندازد!

۴۹- عین حرف اللام ناصبة:

(۱) بعد نهاية العمل لأذهب إلى بيت جدتي!

(۲) إن المؤمن ليحتفظ بالأمانات عنده!

(۳) يعلم الأب ولديه درس الحياة ليفهما حقيقتها!

(۴) التلميذ ليستيقظ من نوم الغفلة دائماً!

۵۰- عین الاصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب:

«العامل هو الذي يبني المنازل العالية ولكنه يسكن الأكواخ الحقيرة!»:

(۱) کارگر همان شخصی است که با این که خانه های بلندمرتبه می سازد، خود در یک کلبه محقر ساکن است!

(۲) کارگر همان کسی است که خانه های بلندمرتبه را می سازد ولی خود در کلبه های محقر سکونت می کند!

(۳) این کارگر خانه های بلندمرتبه می سازد اما در این کلبه حقیر زندگی می کند!

(۴) کارگری که منزل های بلندمرتبه را می سازد ساکن کلبه های حقیر است!

۵۱- عین الصحيح في الإعراب و التحليل الصرفي.

«تظير الذبابة على الطعام كما يطير الوشاة على صفاء و دادهم!»:

(۱) الذبابة: مفرد مؤنث - مشتق (صفة مشبهة) - معرف بال - معرب - منصرف / فاعل و مرفوع

(۲) الوشاة: جمع تكسير (مفردة: واشي، مذکر) - معرف بال - معرب - ممنوع من الصرف / فاعل و مرفوع

(۳) تظير: للغة - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف - لازم - مبني للمعلوم - معرب / فعل مرفوع، و فاعله «الذبابة»

(۴) صفاء: مفرد مذکر - مشتق (صفة مشبهة) - نكرة - معرب - منصرف / مجرور بحرف الجر، على صفاء: جار و

۵۲- عین الأصح والأدق في الجواب للتعريب:

«زندگی به من آموخته است که کسی را که مرا در کارها و رفتارهایم تصدیق می‌کند، هرگز به دوستی انتخاب نکنم!»:

(۱) علمت الحياة بان لا آخذ الذى صادقنى فى الاعمال و الافعال من الاصدقاء لى أبدا!

(۲) كانت الحياة تعلم لى أن لا آخذ كل شخص صادقنى عملاً أو فعلاً كصديق!

(۳) إن الحياة تعلمنى بان لا آخذ كل من يصدقنى فى العمل و الفعل أبداً كصديق!

(۴) علمتنى الحياة أن لا آخذ من يصدقنى فى أعمالى و أفعالى صديقاً لى أبداً!

۵۳- عین الأصح والأدق في الجواب للترجمة:

«أردت من طبيعتى أن تصف لى أدوية تفيد لشفانى من هذا المرض الصعب و لا تضرنى!»:

(۱) از پزشکم خواستم که برایم داروهای تجویز کند که برای درمانم از این بیماری سخت، مفید باشد و به من آسیبی نرساند!

(۲) از پزشک خود درخواست کردم دواهایی تجویز کند که برای مداوای بیماری لاعلاج من سودمند بوده به من صدمه‌ای نزنند!

(۳) من از طبیب خود دارویی را مطالبه کردم که برای شفای بیماری سخت من مفید باشد و به من آسیب نزنند!

(۴) من از طبیب خود خواستم دوابی مفید برای درمان این بیماری جدی تجویز کند که به من ضرر نرساند!

۵۴- عین الأصح والأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«مواجهة المتاعب تقوي الإنسان في حياته لأنه يحتاج إليها دائماً!»:

(۱) مواجه شدن انسان با سختی‌ها در زندگی‌اش تقویت‌کننده است زیرا نیاز دائمی اوست!

(۲) روبرویی با سختی‌ها انسان را در زندگی‌اش قوی می‌کند زیرا او همواره به آنها نیاز دارد!

(۳) مواجهه انسان با سختی تقویت‌کننده‌ای برای اوست چه او همواره به آنها نیاز داشته است!

(۴) روبرو شدن با سختی انسان را در زندگی تقویت می‌کند چه او نیازمند همیشگی به آنها است!

۵۵- عین «هن» لیس مرفوعاً:

(۱) إن الدعاء يجلب مرضاة من يُطلب منه شيء!

(۲) المؤمن من يقنع بما عنده و لا يتحسر بما يفقد!

(۳) من كان مفتاح الهدى للآخرين لا شك هو المؤمن!

(۴) إن العاقل من يعتبر لنفسه من تجارب الآخرين!

۵۶- عین الصّحیح فی التشکيل:

«إن الامهات ساهرات على راحة اولادهن الصغار طول الليل!»:

(۱) الصّغار - طول - اللیل

(۲) راحه - اولاد - طول

(۳) ساهرات - راحه - الصّغار

(۴) الأمهات - اولادهن - طول

۵۷- عین الأصح والأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب.

«هناك مضامين مشتركة عديدة في اشعار سعدى الشيرازي و المتنبي، تدلّ على وجود علاقات وثيقة بين اللغتين

الفارسية و العربية!»:

(۱) آنجا مضمون‌های متعدد مشترک در اشعار سعدی شیرازی و متنبی است که رابطه استوار بین دو زبان فارسی و عربی را بیان می‌کند!

(۲) تعدادی مضمون مشترک در شعرهای سعدی شیرازی و متنبی هست که روابط استوار بین دو زبان فارسی و عربی را بیان کرده است!

(۳) در شعر سعدی شیرازی و متنبی مفهوم مشترک بی‌شماری یافت می‌شود که بیان‌کننده رابطه محکم بین زبان‌های فارسی و عربی است!

(۴) مضمون‌های مشترک متعددی در اشعار سعدی شیرازی و متنبی وجود دارد که بر وجود روابط محکمی بین دو زبان فارسی و عربی دلالت می‌کند!

۵۸- عین الخطأ فی التشکيل:

«قال لها أ لك حاجة؟ فأخبرته عن شكائتها فتألم بشدة!»:

(۱) شِكَايَتِهَا - تَأَلَّمَ - شِدَّةٌ (۲) قَالَ - أ لِكِ - أَخْبَرْتُهُ (۳) حَاجَةٌ - أَخْبَرْتُهُ - شِكَايَةِ (۴) أ لِكِ - حَاجَةٌ - تَأَلَّمَ

۵۹- عین الخطأ في التشکيل:

«انتظرته ثمانی لیل و سبعة أيام ولكنه لم يحضر في الموعد المقرر!»:

(۱) انتَظَرْتُ - ثَمَانِي - لِيَالٍ

(۲) أَيَّامٍ - يَحْضُرُ - المَوْعِدِ

(۳) لم يَحْضُرْ - المَوْعِدِ - المَقَرَّرِ

(۴) ثَمَانِي - لِيَالٍ - سَبْعَةَ

۶۰- عین «لا» ناسخه:

(۱) نعلم بأن الله لا يأمر أحداً منّا بعمل لا نفع فيه!

(۲) إبدأ يومك بالفرح و السرور لا بالقلق و الغضب!

(۳) لا نجد في أعمال الأنبياء إلا الحكمة لإرشادنا!

(۴) لا تصل إلى أهدافك العالية بالكسالة و الخمول!

۶۱- عین الصّحیح فی الاعراب و التحليل الصرفی:

«ذراع واحدة إلى داخل البيت خير من ذراعين إلى خارجه!»:

(۱) ذراع: مفرد مذکر - جامد - معرف بالاضافة - معرب - منصرف / مبتدأ و مرفوع، و الجملة اسمية

(۲) خير: اسم - مشتق (اسم تفضيل) - نكرة - معرب - منصرف / مبتدأ و مرفوع و الجملة اسمية

(۳) داخل: اسم - مفرد مذکر - مشتق و اسم فاعل (مصدره: دخول) / مجرور بحرف الجر، إلى داخل: جار و مجرور

(۴) ذراعين: مثنى مذکر - مشتق (صفة مشبهة) - نكرة - معرب / مجرور بالياء بحرف الجر، من ذراعين، جار و مجرور

اقرأ النصّ التالي بدقة ثم أجب عن الأسئلة بما يناسب النصّ:

حُكي أنّ أحد الأمراء أحضر لابنه معلماً و طلب منه أن يقوم بتربية ابنه ليكون خليفته في الحكم، فنشأ الصبي نشأة صالحة في يوم ضربه المعلم ضرباً شديداً بدون ذنب ارتكبه، فغضب الصبي عليه و لكن أخفى غضبه في قلبه!

لما أصبح حاكماً بعد أبيه دعا معلمه إليه يوماً و سأله: لماذا ضربتني يوم كنت تلميذاً عندك، من غير سبب؟!

قال المعلم: إنني أحببت أن أذيقك طعم الظلم لئلا تظلم أحداً من الرعية لما تُصبح حاكماً! فأعجب الحاكم هذا التدبير و قال: لقد كان درساً عظيماً لي!

۶۲- لماذا ضرب المعلم تلميذه دون سبب؟ لأنه أراد أن ....

(۱) يحقد الصبي عليه! (۲) يقوم بتربية ابنه! (۳) يذيقه طعم الجور! (۴) يكون ظالماً في المستقبل!

۶۳- متى دعا الحاكم الجديد معلمه؟ عین الخطأ:

(۱) لما كان حاكماً على البلد!

(۳) عندما كان حاكماً للبلد بعد أبيه!

۶۴- عین الخطأ:

(۱) من ظلم فيصبح ظالماً أشدّ ممن ظلمه!

(۳) يمكن للمعلم أن يعلم تلامذته بدون كتابة أو قراءة!

۶۵- عین الصحيح:

(۱) ضرب المعلم تلميذه ضرباً عندما كان حاكماً!

(۳) أظهر الصبي غضبه لما ضربه المعلم من دون ذنب!

۶۶- عین الخطأ في التشكيل:

«أحضر لابنه معلماً و طلب منه أن يقوم بتربية ابنه ليكون خليفته في الحكم!»:

(۱) أَحضَرَ - إبْن - يَقُومُ (۲) يَكُونُ - خَلِيفَةً - الْحَكْم (۳) تَرْبِيَةٌ - ابْنُهُ - يَكُونُ (۴) طَلَبَ - تَرْبِيَةٌ - الْحَكْم

۶۷- عین الخطأ في التشكيل:

«نشأ الصبي نشأةً صالحه، و في يوم ضربه المعلم ضرباً شديداً بدون ذنب ارتكبه!»:

(۱) الصَّبِيُّ - صَالِحَةً - ضَرَبَهُ (۲) المُعَلِّمُ - ذَنْبٍ - ارْتَكَبَ (۳) نَشَأَ - نَشَأَةً - المُعَلِّمُ (۴) نَشَأَةً - صَالِحَةً - يَوْم

۶۸- عین الصحيح في الاعراب و التحليل الصرفي:

«أحضر»:

(۱) فعل ماضٍ - متعد - مبنى للمعلوم - معرب / فاعله الضمير المستتر فيه، و الجملة فعلية

(۲) مزيد ثلاثي بزيادة حرف واحد - لازم - مبنى للمعلوم / فعل و فاعله الضمير المستتر

(۳) للغائب - مزيد ثلاثي (من باب إفعال) - متعد / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر

(۴) صحيح - لازم - مبنى على الفتح / فاعله ضمير «هو» المستتر، و مفعوله «ابنه»

۶۹- عین الصحيح في الاعراب و التحليل الصرفي:

«يكون»:

(۱) معتل و أجوف - معرب / فعل من الأفعال الناقصة، اسمه «خليفة» و خبره «في الحكم»

(۲) مضارع - للغائب - معتل و أجوف / فعل منصوب بحرف اللام، اسمه ضمير «هو» المستتر

(۳) فعل مضارع - مجرد ثلاثي - معرب / فعل من الأفعال الناقصة و هي من التواسخ، اسمه «خليفة»

(۴) للغائب - مجرد ثلاثي - معتل و أجوف / فعل منصوب و من الأفعال الناقصة، خبره شبه الجملة «في اللحم»

۷۰- عین الصحيح في الاعراب و التحليل الصرفي:

«شديداً»:

(۱) مشتق و صفة مشبهة (مصدره: تشديد) / صفة أو نعت و منصوب بالتبعية

(۲) اسم - مفرد مذكر - مشتق (صفة مشبهة) / نعت أو صفة و منصوب بالتبعية

(۳) مفرد مذكر - معرب - منصوب / حال و منصوب بالتبعية لكلمة «ضرباً» و هي مفعول مطلق

(۴) مشتق و صفة مشبهة (مصدره: شدّة) - نكرة / حال و منصوب، و صاحب الحال «المعلم»

۷۱- عین غير المناسب للفراغات: «أخبر ..... العقلاء أن الانسان يرى نتيجة عمله في الدنيا، فعليہ ..... أن ..... قبل أن .....

..... بالعمل!»:

(۱) نى - ى - أتأمل - أبدأ

(۲) نا - نا - نتأمل - نبدأ

(۳) هـ - هـ - يتأمل - يبدأ

(۴) هنّ - ها - يتاملن - تبدأ

۷۲- «يعجبنا الذين يحفظون بصرهم من بيوت الناس!»:

(۱) به شگفتی وادار می کند ما را آنان که چشمانشان را از خانه‌ی مردم نگه می دارند!

(۲) به شگفتی می آورد ما را آنان که دیدگانشان را از خانه‌ی مردم نگه داری می کنند!

(۳) تحسین می کنیم کسانی را که چشمانشان نسبت به خانه‌های مردم حفظ می شود!

(۴) مورد پسند ما واقع می شوند کسانی که دیده‌ی خود را نسبت به خانه‌های مردم حفظ می کنند!

۷۳- عین الصحيح في التشكيل:

«قسم من أدوات الشَّرط جازم يجزم فعلين اثنين يسمّى الأوّل منهما فعل الشَّرط و الثاني جوابه!»:

(۱) أَدَوَاتٍ - جَازِمٌ - يَجْزِمُ - فِعْلَيْنِ

(۲) جَازِمٌ - اِثْنَيْنِ - يُسَمِّي - فِعْلٌ

(۳) قِسْمٌ - أَدَوَاتٍ - الشَّرْطِ - يَجْزِمُ

(۴) يُسَمِّي - الأوّلُ - فِعْلٌ - الثَّانِي

۷۴- عین الصحيح للفراغات: «لا ..... في أنّ النعمَ الإلهيةَ ..... و لكنّ ..... الاستفادة منها مهمّ أيضاً!»

(۱) شكٌ - كثيرةٌ - طريقٌ

(۲) شكٌ - كثيرةٌ - طريقٌ

(۳) شكٌ - كثيرةٌ - طريقٌ

(۴) شكٌ - كثيرةٌ - طريقٌ

۷۵- عین الأصحّ و الأدقّ في الجواب للترجمة:

(يقول الكافر يا ليتني كنت تراباً):

(۱) كافر می گوید کاش من خاک بودم!

(۲) کفران کننده می گوید کاش از خاک بوده است!

(۳) کافر است که می گوید ای کاش خاک بودم!

(۴) آن که کافر می ورزد می گوید ای کاش خاک بوده است!

متن زیر را بخوانید و به ۹ سؤال بعدی پاسخ دهید:

الغرب يصنع اليوم آلات مختلفة يبيعهها، فلا يبيع كيفةً صنعها و لا أسرار نجاحها و هو مُسيطر على سوق الآلات في

البلاد الأخرى و كذلك على صيانتها!

و الثورة الإسلامية إن تُرد أن تسيطر على هذه الصناعات كالبلاد المتقدمة يجب أن تعمل عملاً منظماً و مستمرّاً!

إنّ في اليابان (ژاپن) يُمنع تماماً ورود كلّ الصناعات الأجنبية و إذا وُجد شيء و ما كان اليابانيّ قد حصل عليه، فيسافر

ليتعلّم كيفةً صنعه! و مجتمعنا أيضاً لتحقيق المستقبل الأفضل علمياً و صناعياً و غيرهما يجب أن يُشجّع أبناءه على

ذلك!

۷۶- عین الصحيح:

(۱) إنّ كلّ البلاد التي ليست فيها صناعة جديدة يجب أن تشتريها من الغرب!

(۲) إنّ اليابان قد صنع كلّ الصناعات، و إلاّ يحصل عليها من البلاد الأخرى!

(۳) سرّ نجاح الغرب بيع الآلات و تعليم كيفةً صنعها للمسافرين!

(۴) صيانة الآلات سبب لدوام سيطرة صانعيها على البلاد!

۷۷- عین الخطأ:

(۱) لنا رجاء في تعلّم أسرار الصناعات الجديدة!

(۲) إنّما السيطرة على سوق الآلات بيد صانعيها!

(۳) نحن متقدمون و نشترى آلات مختلفة من الغرب!

(۴) كيفةً صنع الصناعات سرّ من الأسرار عند صانعيها!

۷۸- عین الصحیح لإتمام العبارة: إنَّ الغرب متقدِّمٌ لآئه .....  
 (۱) سیطر علی بلاد أخرى علمياً و صناعياً و غیرهما!  
 (۲) یعمل عملاً منظماً و مستمراً طول السنوات!  
 (۳) له أسرار من کیفیة الصناعات التي یحصل علیها من بلاد أخرى!  
 (۴) إذا وُجد شيء ما كان حصل علیه یذهب لتحصیله إلى خارج البلاد!

۷۹- عین الصحیح لإتمام العبارة: الثورة الإسلامیة لا تتقدّم إلا أن .....  
 (۱) تسيطر علی سوق الآلات في سائر البلاد!  
 (۲) تبیغ آلات مختلفة و لا تبیغ أسرار صنعها!  
 (۳) تربی باحثین یتعلّمون کیفیة الصناعات!  
 (۴) تأخذ صيانة الصناعات الاجنبیة طول السنوات!

۸۰- عین الخطأ في التشکیل

«الغرب یصنع الیوم آلات مختلفة بیعها و لا بیع کیفیة صنعها!»:

(۱) الیوم - آلات - بیع (۲) الغرب - یصنع - آلات (۳) بیع - کیفیة - صنعها (۴) مختلفة - کیفیة - صنع

۸۱- عین الخطأ في التشکیل

«إذا وجد شيء و ما كان الیابانی قد حصل علیه، فیسافر لیتعلم کیفیة صنعها!»:

(۱) وُجد - شيء - یسافر (۲) حصل - یتعلم - کیفیة (۳) یسافر - کیفیة - صنع (۴) الیابانی - حصل - یتعلم

۸۲- «یمنع»:

(۱) مجرد ثلاثی - صحیح - متعدّد - مبني للمعلوم - معرب / فعل مرفوع و نائب فاعله «ورود»

(۲) فعل مضارع - للغائب - مجرد ثلاثی - متعدّد - مبني للمجهول / فعل و نائب فاعله «ورود»

(۳) فعل مضارع - مزید ثلاثی (من باب إفعال) - لازم / فعل مرفوع و مع نائب فاعله جملة فعلیة

(۴) للغائب - متعدّد - مبني للمجهول - معرب / فعل و نائب فاعله ضمیر «هو» المستتر و الجملة فعلیة

۸۳- «یشجع»:

(۱) مزید ثلاثی - متعدّد - مبني للمجهول - معرب / فعل منصوب به حرف «أن» و مع فاعله جملة فعلیة

(۲) فعل مضارع - مزید ثلاثی (من باب تفعّل) - مبني للمعلوم / فعل و فاعله ضمیر «هو» المستتر

(۳) مضارع - للغائب - لازم - مبني للمعلوم - معرب / فعل و منصوب به حرف «أن» الناصبة

(۴) للغائب - مزید ثلاثی (من باب تفعیل) - متعدّد / فعل منصوب به حرف «أن»

۸۴- «منظماً»:

(۱) مشتق و اسم مفعول (مادّته: نظم) - نكرة - معرب - منصرف / حال مفردة و منصوب

(۲) اسم - مفرد مذکر - مشتق و اسم مفعول (مصدره: تنظیم) / نعت و منصوب بالتبعیة

(۳) مفرد مذکر - مشتق و اسم مفعول (مصدره: انتظام) - نكرة / نعت للمفعول المطلق «عملاً»

(۴) اسم - مفرد مذکر - نكرة - معرب - منصرف / حال مفردة و منصوب و صاحب الحال «عملاً»

۸۵- عین الأصحّ و الاذقّ في الجواب للتعریب:

«بیشتر اشعاری که به یاد می آورم به دورانی باز می گردد که خیلی کوچک بودم!»:

(۱) أشعار كثيرة من عهد الطفولة، ذکرتها أكثر من الان!

(۲) أكثر الشعر الذي أذکره، يرجع إلى زمان الطفولة لی!

(۳) أكثر الأشعار التي أذکرها التي ترجع إلى عهد كنت صغيراً جداً!

(۴) أشعار كثيرة أذکرها، تعود إلى زمان كنت طفلاً صغيراً!

۸۶- عین الأصحّّ و الاذقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعریب:

عین الخطأ:

(۱) كان المعلم قد ورّع أوراق الامتحان بین تلامیذة، معلم اوراق امتحان را بین دانش آموزان خود توزیع کرده بود،

(۲) کائهم روعهم من نتیجة قلّة عملهم أثناء الامتحان: مثل این که آن ها از نتیجه کم کاری خود حین امتحان ترسیده بودند،

(۳) علی التّلامیذ أن یحاولوا قبل الامتحان و نهاية السنّة الدرستیة: دانش آموزان باید قبل از امتحان و پایان سال تحصیلی تلاش کنند،

(۴) حتّى یحصلوا علی درجة عالیة بسبب محاولتهم الكثیرة!: تا نمره ای عالی را به خاطر تلاش زیاد خود به دست آورند!

۸۷- «لما رأى خدم الرّشید بهلولاً جالساً علی مسنده ضربوه تادیباً له!». کم معرفة فی العبارة؟

(۱) ثمانية (۲) سبعة (۳) خمسة (۴) ستة

۸۸- عین الأصحّّ و الاذقّ في الجواب للترجمة:

«ینغی للمسلمین أن یجتنبوا المعاصی مهما صغرت و قلت لیقتریوا من رضوان الله!»:

(۱) سزاوار است که مسلمین از معصیتها اجتناب ورزند هر چند که آن ها کوچک و ناچیز شده باشند، برای این که به خشنودی الهی دست یابند!

(۲) شایسته است که مؤمنین از اعمال گناه آلود بپرهیزند اگرچه خرد و ناچیز به نظر برسند، تا به بهشت خداوند مقرب گردند!

(۳) برای مسلمانان سزاوار است که از گناهان خود دور شوند گرچه کوچک و اندک باشند تا به رضوان الهی نزدیک شوند!

(۴) برای مسلمانان شایسته است که از معصیتها دوری ورزند هر چند کوچک و کم باشد، تا به رضایت خداوند نزدیک شوند!

۸۹- «ابتعد عن الرّاحة لأنّ السّفینة إن كانت ساکنة فی مکان یخلق أسفلها بعد مدّة!»: از راحتی .....  
 (۱) دوری گزین که کشتی هرگاه در یک محل ساکن باشد بعد از مدتی کهنه می شود!  
 (۲) دور باش که یک کشتی هرگاه در مکانی ساکن باشد بعد از مدتی پوسیده می گردد!  
 (۳) دوری کن زیرا یک کشتی اگر در محل ساکن باشد زیر آن بعد از مدتی کهنه می گردد!  
 (۴) دور شو زیرا کشتی اگر در یک مکان ساکن باشد بعد از مدتی زیر آن پوسیده می شود!

۹۰- عین الأصحّّ و الاذقّ في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعریب.

«لو آمن أهل الكتاب لكان خیراً لهم»:

(۱) اهل کتاب اگر ایمان می آورند حتماً برای آنان بهتر بود!

(۲) اهل کتاب چنانچه ایمان بیاورند برایشان نیکوتر است!

(۳) چنانچه صاحبان کتاب ایمان بیاورند برای خودشان نیکو است!

(۴) چنانچه صاحبان کتاب ایمان آورده بودند هر آینه برایشان بهتر بود!

۹۱- عین الأصح والأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب:

«ينبغي للمؤمن أن ينفر من المعصية مهما صغرت!»:

(۱) سزاوار مؤمن است که از گناه کوچک نیز تنفر داشته باشد!

(۲) شایستگی مؤمن در این است که از گناه کوچک هم تنفر داشته باشد!

(۳) برای مؤمن شایسته است که از گناه متنفر باشد هر قدر کوچک باشد!

(۴) تنفر مؤمن از گناه، هر چند کوچک باشد از شایستگی‌های او می‌باشد!

۹۲- عین الصحيح في الاعراب و التحليل الصرفي:

«على الانسان أن يكرم والديه في جميع الاحوال»:

(۱) الاحوال: اسم - مفرد مذکر - جامد - معرف بال - معرب - مجرور

(۲) والدي: مثنی مذکر - مشتق و اسم فاعل - معرف بالاضافة / مفعول به و منصوب بالياء

(۳) يكرم: لغائب - مجرد ثلاثي - متعد - معرب / فعل و فاعله ضمير «هو» المستتر و الجملة فعلية

(۴) الانسان: اسم - مثنی مذکر - جامد - معرف بال / مجرور به حرف الجر، على الانسان: جار و مجرور

۹۳- عین العدد نائب الفاعل:

(۱) يسافر اليوم أربعة تلاميذ معاً إلى سفرة علمية!

(۲) في مدرستنا في هذه السنة يُعلّمنا الدروس عشرة معلمين!

(۳) تُجرى اليوم في المدارس ثلاث مسابقات رياضية في زمن واحد!

(۴) يُشرف على مباراة كرة السلة في هذا الوقت بمدريستنا حكمان إثنان!

۹۴- عین المضارع منصوباً:

(۱) يذهب بعض الناس إلى خارج البلاد لاعطاء الصدقات!

(۲) ليطالع التلميذ دروسه في طول السنة لا في ليلة الامتحان!

(۳) أيها المسلمون تقربوا إلى الله فتفوزوا في الدنيا و الآخرة!

(۴) يحاول الوالدان في الحياة ليستفيد الاولاد من عمل يدهما!

۹۵- «إنّ ناحيتنا القديمة أفضل مكاناً جمالاً بما فيها من الأسواق!»:

(۱) محله‌ی ما قدیمی است و بهترین جا از نظر زیبایی بازارهایی است که در آن وجود دارد!

(۲) محله‌های ما قدیمی هستند و زیباترین مکان از نظر بازارهای موجود در آن هستند!

(۳) محله‌ی قدیمی ما بهترین مکان از نظر زیبایی است به خاطر بازارهایی که در آن است!

(۴) محله‌های قدیمی ما زیباترین مکان است به لحاظ بازارهای موجود در آن!

۹۶- عین جواباً فيه المنسوب و المصغّر:

(۱) لما تمطر السماء يجري نهر قرب هذه الحديقة و تتمتع به عيوننا!

(۲) يكتسب هذا التلميذ فرصته الذهبية من مشاورة الكبار و المعلمين دائماً!

(۳) الشمس نجمة صغيرة أمام بعض النجوم و هي أقرب نجم إلى الأرض!

(۴) هذا الشاعر شيرازي الموطن و كان يعيش قبيل سعدي الشيرازي!

۹۷- عین جمعاً مؤنثاً مرفوعاً بالتبعية:

(۱) أنظر إلى هذه المناظر الجميلة، هي آيات ظاهرة لله تعالى!

(۲) لوطننا نساء فاضلات كِدُن يتقدّمن على غيرهنّ بسعيهنّ!

(۳) كانت لنا اليوم ساعات مفيدة للدراسة أكثر من الايام الأخرى!

(۴) لنعلم قيمة بناتها الصالحات و علينا ترغيبهنّ نحو سبيل الكمال!

۹۸- عین الخطأ عن كلمة «ما»:

(۱) ما هو الأهم لك غير الدراسة اليوم، أيها التلميذ! (موصولة)

(۲) ما نُعط من الخير للآخرين يعط الله لنا أفضل منه! (شرطية)

(۳) ما نتعلم من أمتنا في الحياة ننتفع به في كل الأمور! (شرطية)

(۴) إن يصبر الإنسان على ما يصيبه في حياته، يكتسب المعالي! (موصولة)

۹۹- عین الأصح و الأدق في الجواب للترجمة أو المفهوم أو التعريب:

«من صارح الحقّ صرعه!». عین المناسب للمفهوم:

(۱) آنرا که براندازند با ماش دراندازند!

(۲) هر چیز به جای خویش به وقت خویش حق است و با حق بسته!

(۳) چو چیره شوی خون دشمن نریز / مکن خیره با زبردستان ستیز!

(۴) افتادگی آموز اگر طالب فیضی / هرگز نخورد آب زمینی که بلند است!

۱۰۰- عین عائد الصلة محذوفاً:

(۱) هذا هو الرجل الذي كان أمياً رغم أنه في الثلاثين من عمره!

(۲) نعلم ما يريده الأعداء من السيطرة على العالم و المظلومين!

(۳) إنه كان أول من علمني حبّ الحياة و حبّ الآخرين!

(۴) كلّ نفس مسؤولة بما تكتسب من أعمالها و أقوالها!